



روحانیت در شیعه و کاتولیسم

محمد مسجدجامعی

بگاه‌ش ۲۳۱، ۱۳۸۷/۷/۲۷



تعریف و شناخت روحانیت کاتولیکی، متکی بر بررسی دقیق بنیادهای کلامی کاتولیسم است. در رأس این مجموعه، پاپ قرار دارد. واتیکان، تشکیلات اداری این مجموعه به شمار می‌رود که کلیسا را با توجه به تجربه تاریخی‌اش، اداره می‌کند. نقش روحانیت مسیحی که در همه مناطق کاتولیک‌نشین حضور دارد و همه این مجموعه که به مثابه یک نهاد واحد عمل می‌کند، دقیقاً در مقدمات و اصول کلامی کاتولیک وجود دارد و در واقع تحقق تاریخی و اجتماعی، به این نهاد روحانیت تبدیل شده. روحانیت ایران، متکثر به تکثر طبیعی جامعه است، یعنی از همه طبقات اجتماعی فقیر، ثروتمند، روستایی و شهری روحانی است. در نتیجه نمی‌توان براساس اصطلاحات علوم اجتماعی یا علوم دیگر، ما به ازای دیگری برای آن معرفی نمود. در دنیای غرب نیز نهادهایی شکل گرفته‌اند که به دلایل مختلف ما به ازایی در این طرف ندارد. بنابراین یک تفاوت نهاد و روحانیت شیعه با روحانیت کلیسا در همین نکته است.

یکی از ویژگی‌های روحانیت شیعه آن است که تا ۱۵۰ سال پیش، هر شهر یا روستایی، یک روحانی داشت که به صورت خودکفا همه مسائل محل سکونت خود را اداره می‌کرد، اما اولین جرقه تمرکزگرایی در کل ساختار روحانیت، داستان تنباکو است. در تاریخ معاصر روحانیت ایران، نقش تأثیرگذار و متمرکز روحانیت در قضیه تنباکو، داستان مشروطیت و واکنش در برابر اقدامات رضاشاه دیده می‌شود. به ویژه در دهه ۲۰ که خطر تجزیه ایران و توسعه اندیشه‌های مارکسیستی وجود داشت. در این موارد عمدتاً روحانیت شیعه و طبقات مذهبی، نقش نجات‌دهنده‌ای در تاریخ ایران ایفا می‌کنند. همچنین در ملی شدن نفت، قیام ۱۵

خرداد و نهایتاً انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷، این حوادث مهم‌ترین فرازهای سیاسی روحانیت ایران در تاریخ معاصر ایران است. ماهیت روحانیت در ایران و اصولاً ساختار جامعه ایران، به گونه‌ای است که به راحتی مردم را به صحنه خیابان می‌کشاند، اما در جای دیگر این سخن چندان قابل درک نیست. در نتیجه هر گاه کلیسا یا تشکیلاتی دیگر بخواهد مقابله بکند، مجبور است از طریق سلسله نهادهایی، مخالفت یا حضور سیاسی خود را نشان دهد. بهترین نهادی که کلیسا می‌توانست از آن بهره بگیرد، همین حزب دموکرات مسیحی بود که الان هم وجود دارد: هدف این حزب این بود که با کمک گرفتن از تمامی عناصر مذهبی، قدرت را به دست بگیرد و مانع از حضور و پیروزی گروه‌های چپ شود.

یکی از تفاوت‌های روحانیت شیعه با کاتولیک این است که تقابل یا عدم تفاهمی که بین طبقات مذهبی و بعضاً روحانیت با مسائل مدرن وجود داشته، اصولاً در آن جا وجود نداشته است، چون مسیحیت محذوریت‌های کمتری دارد و به علاوه، خود کلیسا در ایجاد تمدن جدید در مفهوم کاتولیکی، نه پروتستان، مشارکت خیلی فعالی داشته است. همه عناصر تمدن جدید اعم از هنر، نقاشی، معماری و جنبه‌های دیگر در کلیسای کاتولیک وجود دارد و بنابراین با تمدن جدید تعارض نداشته است. لذا مفهوم سنت‌گرایی و مدرن‌گرایی به شکلی که در میان ماست، در آن جا مطرح نبود و نمی‌توانست هم مطرح باشد و این نکته کلیدی خیلی مهمی است برای درک این که چگونه این دو در برابر مسائل جدید، دو شیوه عمل کردند. به هر حال در دهه ۶۰ طرحی برای کنفرانس امنیت اروپا مطرح شد که هدف این طرح آن بود که با استفاده از عناصر دین، مفرهایی برای کلیسای کاتولیک ایجاد کند. از دهه ۷۰، اقدامات اجتماعی کلیسای کاتولیک شروع شد و در دهه ۹۰ تلاش کرد تا با کلیسای ارتدوکس ارتباط بیشتری برقرار کند و موقعیت کلیسای واتیکان همین بس که نشان‌دهنده وجود شباهت‌هایی میان شیعه و کلیسای کاتولیک است.

نژارش‌گر: محمدباقر محمدی‌منور

امکانات و راه‌های تفکر در ایران معاصر

گفت‌وگو با: رضا داوری اردکانی

همشهری، ش ۲۶۷۷، ۱۳۸۷/۷/۲۸

بازتاب اندیشه ۱۰۳

۸۱

نژارش‌ها

آقای داوری در این گفت‌وگو درباره امکانات و راه‌های تفکر در ایران معاصر بحث نموده است و بر این عقیده است که زمانه تغییر کرده و هر کسی در هر زمانی چشم‌اندازی دارد؛ با آن چشم‌انداز است که بحث و عمل می‌کند. با سیاست‌زدگی نمی‌توان کارها را پیش برد. ما به فکر و برنامه نیاز داریم. اکنون مسأله توسعه و توسعه نیافتگی برای من مسأله مهم‌تر و روشن‌تری نسبت به زمان‌های گذشته شده است. در زمان‌های گذشته (مثلاً دهه ۶۰) فکر